

محل روحانی

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



لوح رقم (136) امر و خلق - جلد 4

۱۳۶ - محل روحانی

و نیز قوله الجلیل : " طهران اعضاء محل روحانی علیهم بهاء الله الابهی هو الله نامه شما رسید و از اینکه در فکر انتخاب عمومی بودید روح و ریحان حاصل گردید و ترتیب انتخاب عمومی این است عدد اعضاء را معین کرده که باید از نه کمتر نباشد و بحسب زمان و مکان نه دیگر بر آن افزوده شود بعد باید جمیع احبای طهران را اعلان نمائید که انتخاب عمومی است هر چند نفر یعنی هر صد و یا پنجاه شخص نفسی را انتخاب کنند هر کس را بخواهند و این نفوس منتخبه اعضاء محل روحانی را انتخاب نمایند خواه در انتخاب اول و خواه در انتخاب ثانی اکثریت را منظور داشته باشند این اصول انتخاب است که اعضاء محل روحانی منتخب منتخبین هستند و علیکم البهاء الأبهی "

و قوله العزیز : " در خصوص انتخاب محل روحانی سؤال نمودید در شهری که احبای الهی قلیل اند هر بیست نفر یا سی نفر یا چهل نفر یا پنجاه نفر بحسب قوت و کثرت احبای شخصی را انتخاب نمایند این عدد پنجاه بعد به پنجاه هزار خواهد رسید هر چه احباب ازدیاد یابد این دائره توسیع یابد حال چون احبای عشق آباد قلیل اند لهذا مجبوریّت بر این است که هر بیست یا سی یا چهل یا پنجاه نفس شخصی را انتخاب نمایند و در عشق آباد حال مقتضی چنان است که اعضاء محل روحانی یا نه نفر یا نوزده نفر باشند این نظر به مقتضای حالی عشق آباد است اگر بخواهید محل روحانی را بنه نفر برسانید باید انتخاب جدید کنید تا محل حرفی نماند و علیکم البهاء الابهی عبدالبهاء عباس حیفاً ۱۵ شعبان ۱۳۳۸ "



ORIGINAL

و در خطاب به بمبای قوله الجلیل : " هو الله ای یاران رحمانی من در این ایام خبری پر روح و ریحان از آن سامان رسید که الحمد لله یاران انجمنی آراستند و نشر امر الله خواستند و دل از دون محبة الله پیراستند و تصور چنان دارند که در ایام معلومه در آن محفل عقد انجمن نمایند و مشورت کنند و بآنچه سبب انتشار نور هدایت است تمسک و تثبث جویند اگر بشروط و عهود لازمه قیام گردد این انجمن فی الحقیقه گلستان و چمن حقیقت است و آیت موهبت حضرت احدیث اول شرط محبت و الفت تام بین اعضای آن جمعیت است که از بیگانگی بیزار گردند و یگانگی حضرت پروردگار آشکار کنند زیرا امواج یک بخرند و قطرات یک نهر نجوم یک افقند و اشعه یک شمس درختان یک بوستانند و گلهای یک گلستان و اگر وحدت حال و یگانگی بیلال در میان نیاید آن جمع پریشان گردد و آن انجمن بیسر و سامان و شرط ثانی آن است که رئیسی بجهت آن محفل اعضای انجمن بالاتحاد انتخاب کنند و دستور العمل و نظامی بجهت اجتماع و مذاکره قرار دهند و آن دستور العمل و نظام انجمن در تحت اداره و محافظه و حمایت رئیس باشد و تنفیذ نماید و اعضاء محفل باید در نهایت اطاعت و انقیاد باشند مکالمه حشو و زواید در آن محفل نگرند و اعضاء در حین ورود توجه بملکوت اعلی کنند و طلب تأیید از افق ابری و در نهایت خلوص و وقار و سکون و آداب در انجمن قرار یابند و بنهایت ادب و ملائمت کلام و اهمیت خطاب به بیان آراء پردازند و در هر مسأله تحریر حقیقت کنند نه اصرار در رأی زیرا اصرار و عناد در رأی منجر بمنازعه و مخاصمه گردد و حقیقت مستور ماند ولی اعضای محترمه باید بنهایت آزادگی بیان رای خویش نمایند و ابدأ جائز نه که نفسی تزییف رأی دیگری نماید بلکه بکمال ملائمت بیان حقیقت کند و چون اختلاف آراء حاصل شود رجوع باکثریت آراء کنند و کل اکثریت را مطیع و منقاد گردند و دیگر جائز نه که نفسی از اعضاء محترمه بر قرار اخیر چه در خارج و چه در داخل اعتراض نماید و یا نکته گیرد ولو مخالف صواب باشد زیرا این نکته گیری سبب شود که هیچ قراری استقرار نیابد باری هر کاری که بالفت و محبت و خلوص نیت فیصل شود نتیجه اش انوار است و اگر ادنی اغبراری حاصل شود نتیجه اش ظلمات فوق ظلمات تصادم افکار و مقاومت آراء در انجمن شور سبب ظهور شعاع حقیقت است نباید هیچیک از اعضاء متکدر از مقاومت دیگری شود بلکه هر یک قول دیگری را با وجود مخالف بودن رأی خویش در کمال ادب بخلوص نیت گوش دهد و غباری بر قلبش نشیند چون چنین گردد آن انجمن انجمن الهی است و الا سبب برودت و کدورت عالم شیطانی و همچنین آن محفل روحانی باید قطعاً بامور سیاسی که راجع بحکومت محلی است تعرض نماید حتی از امور سیاسیّه دم نزند مذاکرات بتمامها محصور در امور روحانیّه که تعلق باداره تربیت نفوس و تعلیم اطفال و اعاشه فقرا و اعانه ضعفاً جمیع فرق عالم و مهربانی بکلّ امم و نشر نفعات الله و تقدیس کلمات الله باشد در اینخصوص و اجراء این شروط چون همت نمایند تأیید روح القدس رسد و آن مجمع مرکز سنوحات رحمانیه شود و جنود توفیق هجوم کند و هر روز فتوحی جدید حاصل شود

الهی الهی هؤلاء عباد انجذبوا بنفحات قدسک و اشتعلوا بنار محبتک و اخلصوا وجوههم لوجهک الکریم و سلکوا فی المنهج القویم و هدوا الی صراطک المستقیم یرب اجعلهم سرج الفضل و الاحسان فی عالم الانسان

يتألاً من وجوههم انوار التّقوى و يتشعشع من جبينهم انوار الهدى و اجعلهم آيات رحمتك لعموم خلقك و
رايات موهبتك لجميع بريتك و ايدهم فيجميع الشؤون انك انت الكريم العزيز الودود "

و در خطابى به بشرويه است قوله العزيز: " اى ياران الهى مجلس را نام محفل انس بگذاريد زيرا لفظ شور لزوم
ندارد شايد اغيار اعتراض كنند و بمفتریات پردازند "

و در خطابى بهائيان نيويورك قوله العزيز: " اذا احببتم ان ترتبوا محافل الشّور و التبليغ فيجوز عضوية القانتات
الثابتات الموقنات اللائى لهنّ همّة الرجال و دريات الكمال "

و قوله الجليل: " اول فريضة اصحاب شور خلوص نيّت و نورانيت حقيقت و انقطاع از ما سوى الله و انجذاب
بنفحات الله و خضوع و خشوع بين احباء و صبر و تحمل بر بلا و بندگى عتبه ساميه الهيه است و چون باين
صفات موفّق و مؤيد گردند نصرت ملكوت غيب ابهى احاطه نمايد ثانياً فريضة اثبات وحدانيت جمال غيب
ابهى و مظهرت كامله ربّانيه حضرت نقطه اولى و عبوديت محضه صرفه ذاتيه كينونيه باطنه حقيقيه
صريحه عبدالبهاء بدون شائيه ذكرى دون آن و هذه غايى القصوى و منتهى معارجى العليا و جنتى المأوى و
هى نور وجهى و منية قلبى و شفاء صدرى و قرّة عينى و رواء غلّتى و برد لوعتى و براء غلّتى و من اعتقد بغير هذا
فقد خالف عبدالبهاء ثالث فريضة ترويج احكام الهيه در بين احباء از صلوة و صيام و حجّ و حقوق و سائر احكام
الهيه بالتمام و همچنين دائماً تشويق و تحريص كلّ احباء بموجب نصوص قاطعه الهيه بر اطاعت و خدمت سرير
سلطنت عادله شهياري و صداقت و امانت در خدمات اعليحضرت دادپرور تاجدارى و تمكين اولياء امور
حكمرانى رابع فريضة حفظ و صيانت عموم احباء در جميع موارد و مواقع و تمشيت امور عموميه از قبيل تربيت
اطفال و تهذيب اخلاق و تعليم علوم نافعه از جميع جهات و تأسيس مدارس و مكاتب بجهت ذكور و اناث و
تكفل فقراء و ضعفاء و صغار و ايتام و ارامل و ايامى و تدبير وسائط صنعت و كسب و توسيع احوال عموم
خامساً منع عموم از آنچه سبب فتنه و فساد و عدم مداخله در امور سياسيه بالكليه و عدم مكاله در اين خصوص
ولو بشقّ شفه و دلالت و تمكين در جميع احوال و سكون و محبت و دوستى با عموم سادساً مدارا با اهل فتور و
تشبث بجميع وسائل در ارجاع آن نفوس بر ميثاق حضرت رحمن "

و در سفر نامه امريكا قوله العزيز: " اول وظيفه اعضاء الفت و اتّحاد آنهاست كه سبب حصول نتائج حسنه
گردد و اگر اتّحاد نباشد يا معاذ الله اختلاف شود البته نبودن آن بهتر است اگر محفل شور يا مجلس عمومى سبب
كدورت گردد بايد متروك ماند چقدر خوشم آمد از احببى كليفورنيا كه ميگفتند ماها محفل شور نميخواهيم
زيرا بخيال رياست و برترى ميفتيم و اسباب اختلاف ميشوم اما حالا الحمد لله بقدر وسع خود خدمت ميكنيم و
خيالى جز نشر نفحات الله نداريم پس چون اتّحاد اعضاء حاصل شد ثانياً وظيفه شان تلاوت آيات و مناجات و
حالت تذكّر و تنبه است چنانكه خود را بين يدى الله مشاهده نمايند ثالث فكر و مذاكره در تبليغ امر الله بجمع

اطراف و اکفاف است و بتمام قوی باید قیام بر این امر عظیم نمایند و تعیین و ترویج لوازم تبلیغ امر الله کنند رابع در فکر و ذکر رعایت فقرا و ضعفا و حمایت مرضی باشند خامس اصلاح و تدبیر امور احباً و مسائل اخرى "

و قوله الکریم: " اصول مشورت را مجری دارید یعنی هر یک در هر خصوص دلائل و براهین بیان نماید تا قناعت حاصل گردد و اگر طرف دیگر مقاومت کند و اعتراض نماید صاحب رأی اول نباید مکدر گردد و محزون شود بلکه ممنون گردد و بیان نماید تا قناعت حاصل گردد و اگر چنانچه ملاحظه نمود که رأی دیگری موافقتر است تسلیم کند زیرا انوار حقیقت یعنی رأی صحیح و موافق از تصادم افکار و موافقت آراء ساطع گردد و الا محسنات و مضرات هر امری معلوم و مشهود نشود باری مقصود این است که در امور تعمق و بحث دقیق مجری گردد تا افکار و آراء ترقی نماید "

و در رسالهء مدنیّه در حقّ اعضاء مجالس کشوری است قوله المتین: " تشکیل مجالس و تأسیس محافل مشورت اساس متین و بنیان رزین عالم سیاست است ولکن از لوازم این اساس امور چندی است اول آنکه باید اعضاء منتخبه متدین و مظهر خشیه الله و بلند همت و عقیف النفس باشند ثانیاً آنکه مطلع بر دقائق اوامر الهیه و واقف بر اصول مستحسنه؟؟ مرعیّه و عالم بر قوانین ضبط و ربط مهمّ داخلیّه و روابط و علاقات خارجیّه و متفنّن در فنون نافع مدنیّه و قانع بمداخل ملکی خود باشند و همچو گان نرود که وجود چنین اعضائی مشکل و ممتنع است بعنایات حق و خاصان حق و همت بلند اصحاب غیرت هر مشکلی آسان است و هر صعب مستصعبی اهون از لحظات اعین و انظار و اما اگر اعضاء مجالس بر عکس این قضیه دون و نادان و بیخبر از قوانین حکومت و سیاست ممالک و بلدان و پست همت و بی غیرت جاهل و کاهل و طالب منافع ذاتیه خود باشند ثمره و فوائدی بر تأسیس مجالس مترتب نشود مگر آنکه زمان سابق اگر مسکین فقیری بجهت احقاق و تحصیل حقوق خود بشخص واحد هدیه ای تقدیم مینمود بعد باید کلّ اعضاء مجلس را راضی کند و الا احقاق حقوق متصوّر نگردد "

و خطاب به محفل روحانی عشق آباد است قوله الجلیل: " هو الله ای خادمان درگاه احدیت محفل روحانی صرف مجمع رحمانی است و مقبول درگاه حضرت یزدانی و مؤید بنفحات قدس آسمانی پس باید بشکرانهء این موهبت بتمام وظائف خویش قیام نمائید و آن اینست که مکتب اطفال ذکور را در نهایت انتظام اداره نمائید و مکتبی دیگر بجهت بنات ترتیب دهید زیرا تعلیم بنات نیز از لوازم عالم انسانی است و وقتی آید که بنات امهات گردند و باید ترتیب اطفال خویش نمایند البته اگر دانا و زیرک و واقف باشند بهتر ترتیب نمایند و خوشتر تعلیم کنند و دیگر آنکه ضعفاء و فقرا و عجزه و ایتم را در نهایت احترام نگهداری کنید و هر بیمار محتاجی را پرستاری نمائید این است وظائف محفل روحانی ابداً در آن قصور و فتور جائز نه اگر چنانچه باید و شاید باین خدمت قیام کنید تأییدات و توفیقات الهیه را از جمیع جهات مشاهده نمائید "

و قوله العزیز: " آنچه مجلس شور قرار در آن خصوص و خصوصیات دیگر بدهند کلّ باید بدون توقّف اطاعت نمایند زیرا اگر چنین نباشد از حکمت دور است و اسباب هرج و مرج امور و علّت اختلاف و ازدیاد بلائیء عبدالبهاء البتّه احبّای الهی راضی باین نمیشوند که مصائب این عبد روز بروز مزداد گردد احبّای الهی اگر تمکین تامّ محفل شور روحانی نمایند هم امور منتظم میگردد و هم عبدالبهاء در مشقّات لا تخصی مبتلا نمیشود ...

حضرات اعضای شور باید محرم یکدیگر باشند و کتمان سبب حزن و بلکه غضب و اختلاف میشود مگر اموری که تخصیص بأفراد دارد یعنی نفسی یکی از اعضای شور را محرم خویش کند سرّش را بیان نماید و خواهش کتمان کند و الاّ اگر بنا باشد که هر یک از اعضاء کتمان اسرار نماید و چیزی ابراز نکند در اینصورت شور تحقّق نیابد علی الخصوص الحمد لله ما جز محبّت الله و ایمان و ایقان و معرفه الله و عبودیت آستان مقدّس و اطاعت و انقیاد و صداقت و امانت بسریر سلطنت و خیر خواهی عموم سرّی و زاری نداریم جمال مبارک ما را راحت فرمودند که بجمیع اهل عالم خیر خواه باشید و با کلّ بحبّت و صداقت و مهربانی معامله کنید علی الخصوص در اطاعت اولیاء امور بکوشید و بهیچوجه من الوجوه در امور سیاسیّه مداخله ننمائید بلکه شقّ شفّه نکنید در این صورت دیگر چه سرّی میماند که کسی کتمان نماید مگر مصالح شخصیّه که نفسی دردی داشته باشد و نخواهد کسی اطلاع یابد و یا خود محنتی داشته باشد و نخواهد کسی مطلع گردد "